



جغرافیای سیاسی جهان اسلام چشم انداز آینده - قسمت اول

پدیدآورده (ها) : صفوی، سید یحیی

جغرافیا :: اطلاعات جغرافیایی :: پاییز 1387 - شماره 67 (ISC)

از 13 تا 17

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1093262>

دانلود شده توسط : سید محمد مهدی میرجلیلی

تاریخ دانلود : 11/08/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

جغرافیای سیاسی جهان اسلام

چشم انداز آینده - قسمت اول

سرلشکر پاسدار دکتر سید یحیی صفوی
دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

سؤال که اساساً چه کشوری را می‌توان اسلامی و چه کشوری را غیر اسلامی خواند، پاسخ‌های متفاوت و گاه متعارضی را مطرح نموده‌اند. امید زنجانی در یک مطالعه‌ی جامع تلاش کرده است نقاط افتراق و اشتراک این رویکردها را بررسی و در نهایت یک جمع‌بندی اجتماعی را ارائه دهد.^(۱)

به نظر عمید زنجانی، کشورهای اسلامی، امروزه به سرزمین‌هایی اتلاق می‌شود که مذهب رسمی آن‌ها اسلام و اکثریت سکنه‌ی آن مسلمان هستند و به همین لحاظ می‌توان آن را با مفهوم «دارالاسلام» مقارن شمرد. گرچه فقها در تفسیر دارالاسلام، نظریات متعدد و متفاوتی را ذکر کرده‌اند ولی جامع‌ترین تعبیر با تفسیر فوق تشابه بسیار دارد. دارالاسلام در اصطلاح فوق به سرزمینی اتلاق می‌شود که احکام اسلام در آن جاری و عمل می‌شود و حاکمیت قضایی اسلام محترم است.^(۲)

مفهوم دیگری که با مفهوم «کشورهای اسلامی» نزدیک می‌باشد، «جهان اسلام» است. اما نکته‌ی قابل ذکر این است که امروزه مفهوم کشورهای اسلامی دارای مفهومی خاص‌تر از جهان اسلام است، زیرا جهان اسلام به کلیه‌ی سرزمین‌هایی گفته می‌شود که تعداد قابل توجهی از مسلمانان به صورت بومی در آنجا زندگی می‌کنند؛ برای مثال، آلمان که در آن بیش از چند میلیون مسلمان زندگی می‌کنند جزئی از جهان اسلام به شمار نمی‌رود، ولی تعدادی از کشورهای افریقایی مانند بنین (با بیش از ۱۳ درصد مسلمان)، ساحل عاج (با بیش از ۲۳ درصد مسلمان)، مالاوی (با بیش از ۳۰ درصد مسلمان) و کامرون (با بیش از ۱۷ درصد مسلمان) جزئی از جهان اسلام به شمار می‌آیند. هم چنین بخشی عظیمی از کشور اتحاد جماهیر شوروی سابق را، که اهالی بومی آن سرزمین‌های (جمهوری‌های) مسلمان هستند، باید در زمره‌ی جهان اسلام به شمار آورد.^(۳)

کشورهایی که در سراسر جهان محل سکونت اقلیت غیر بومی مسلمان هستند و هم چنین سرزمین‌هایی که محل سکونت اقلیت‌های کوچک مسلمان بومی هستند، جزئی از جهان اسلام به شمار نمی‌آیند، ولی جزئی از امت اسلامی محسوب می‌شوند. مفهوم سیاسی «امت اسلامی» به دلیل وابستگی ایدئولوژیکی همه‌ی مسلمانان جهان، شامل کلیه‌ی مسلمانانی

منشاء حقیقی وحدت امت اسلامی همانا دین اسلام است که ریشه‌ی اصلی خود را از فطرت انسان می‌گیرد. تحولاتی که این دین فطری در طول تاریخ داشته فقط مربوط به فروع جزئی احکام بوده که از تنوع موقعیت‌های حیات انسانی در جوامع مختلف سرچشمه گرفته است.

اصول و مبادی کلی که متن دین الهی را تشکیل می‌دهند همواره در طول تاریخ متحد بوده‌اند، این وحدت فکری و ایدئولوژیکی مهم‌ترین مبنای وحدت در جامعه اسلامی است. برای استقرار وحدت و همبستگی در بین یک جمع یا امت، اشتراک در عقیده و جهان بینی از مبادی اولیه بوده و بدون وجود چنان اشتراکی هرگز نمی‌توان در انتظار برقراری وحدتی حقیقی در بین افراد آن‌ها بود.

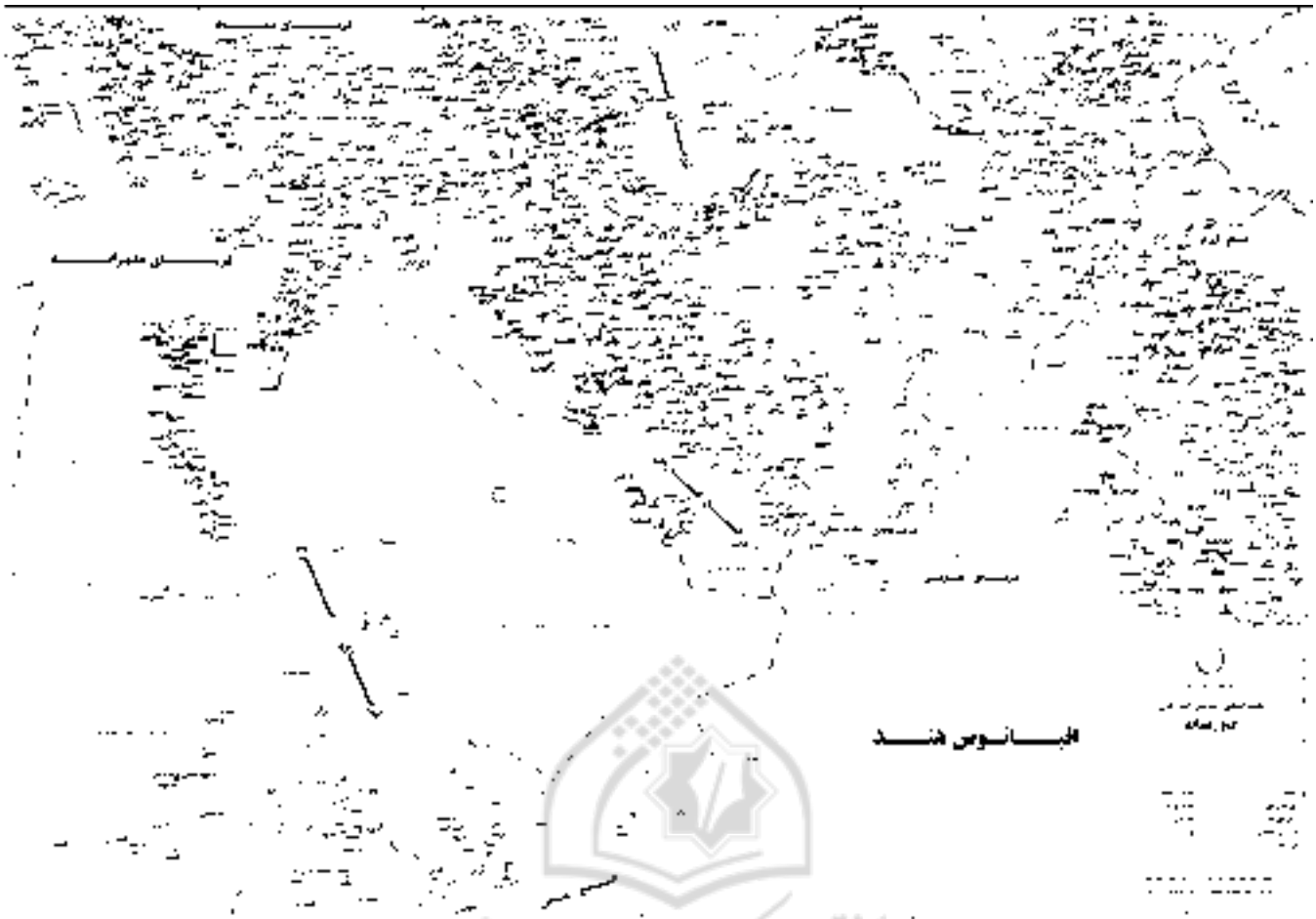
امروزه در میان بیش از یک میلیارد مسلمان هیچ‌گونه اختلافی در مورد خدا، کتاب خدا، و پیامبر خدا وجود ندارد و قبله هم که سبیل یگانگی و اتحاد در عالم خارج است، هرگز مورد اختلاف نبوده است. این چهار پایه‌ی اصلی وحدت همواره، چون پایگاهی مطمئن برای حل کلیه‌ی اختلافات جزئی می‌تواند مورد رجوع قرار گیرد.

مقدمه

فراهم نمودن زمینه مفهومی و اجرایی وحدت جهان اسلام ایجاب می‌کند در گام نخست به این سؤال پاسخ داده شود که چه کشوری‌هایی در زمره‌ی کشورهای مسلمان به شمار می‌روند؟ یا به عبارتی، گونه‌شناسی کشورهای اسلامی از چه خاستگاه‌های نظری و مفهومی تبعیت می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال، رویکردهای نظری مختلف و متنوعی وجود دارد. به لحاظ اهمیتی که این مقوله در تدوین شالوده، صورت‌بندی و ساختار این مطالعه دارد، ضروری است با توجه به بضاعت‌های علمی، فکری، تحقیقاتی و مطالعاتی موجود، نظرات مختلفی که در این خصوص وجود دارد را مورد نقد و بررسی قرار دهیم تا در پایان به نتیجه‌گیری مطلوبی منتهی شود. در مجموع، شناسایی کشورهای اسلامی از دور و یک‌دست و خاستگاه حقوقی و فقهی قابل تبیین است، این بخش (قسمت اول) به بررسی رویکرد حقوقی می‌پردازد.

رویکرد حقوقی

حقوقدانان با تکیه بر انگاره‌ها و آموزه‌های حقوقی در پاسخ به این



اقیانوس هند

واحد‌های کوچک‌تری چون آلبانی را نیز شامل می‌گردد و در اقیانوس هند، بنگلادش و بخش‌بزرگی از هند و سراسر پاکستان و شبه جزیره‌ی مالاکا و جزایر مالدیو، سوماترا، جاوه، برونی، گینه نو و میندانائو را در بر می‌گیرد و شامل قسمت عمده آسیا و افریقا و بخشی از اروپا می‌شود.^(۴)

جهان اسلام، با بیش از ۳۱ میلیون کیلومتر مربع، بالغ بر یک پنجم مساحت خشکی‌های زمین را در بر می‌گیرد که از این لحاظ ارتباط بین دریای سیاه و دریای مدیترانه را برقرار می‌سازد و وجود آلبانی در مدخل راه دریایی آدریاتیک و نیز وجود خلیج فارس و دریای عمان و بنگلادش در رأس خلیج بنگال و نیز موقعیت جزایر مالدیو و لاکدیو در اقیانوس هند، که آن‌ها را به صورت یک دیدبانی طبیعی بر قسمت عمده‌ی اقیانوس درآورده است، می‌تواند دلایلی براهمیت راهبردی کشورهای اسلامی باشد.

گونه‌شناسی کشورهای اسلامی بر اساس حقوق اساسی و نظام سیاسی

یکی از معیارهای حقوقی برای گونه‌شناسی کشورهای اسلامی «حقوق اساسی» و «نظام سیاسی» حاکم بر این کشورهاست. بر این اساس می‌توان کشورهای اسلامی را به چند گونه طبقه‌بندی نمود:

با معیار قرار دادن تقسیم‌بندی قاره‌ای، کشورهای اسلامی را به لحاظ آسیایی و افریقایی بودن آن‌ها تقسیم کرده‌اند. بر این اساس می‌توان حقوق

می‌شود که در سراسر جهان به طور بومی یا غیر بومی و اقلیت یا اکثریت زندگی می‌کنند.^(۴)

«کشورهای اسلامی» را می‌توان به لحاظ نقشی که مسلمانان در حاکمیت دولت‌ها دارند نامی مناسب دانست، چنان‌که «جهان اسلام» را نیز می‌توان مجموعه سرزمین‌هایی که محل سکونت مسلمانان است ملحوظ نمود و «امت اسلامی» را هم به لحاظ وحدت ایدئولوژیکی، معیار شمول این نام نسبت به کلیه‌ی مسلمانان جهان دانست. کشورهای اسلامی در حقیقت نام متناسب با جغرافیای سیاسی است، در حالی که جهان اسلام مفهوم جغرافیای عقیدتی را در بر می‌گیرد.^(۵)

بر این اساس، در چارچوب رویکرد حقوقی، کشورهای اسلامی را می‌توان در آسیا شامل کشورهای ایران، اردن، سوریه، عراق، عربستان سعودی، فلسطین، عمان، قطر، کویت، لبنان، مالزی، جمهوری عربی یمن و در افریقا شامل کشورهای الجزایر، بنین، تانزانیا، تونس، چاد، ساحل عاج، سنگال، سودان، سومالی، کامرون، لیبی، گینه بیسائو، مالاوی، مالی، مراکش، مصر، موریتانی و نیجریه دانست.

اما جهان اسلام از نظر جغرافیایی شامل سرزمین‌های وسیع‌تری می‌شود که بدنه‌ی اصلی آن به شکل مستطیلی از کرانه‌های اقیانوس اطلس شروع شده و تا جنوب غربی و شمال شرقی آسیای مرکزی امتداد می‌یابد و

اساسی کشورهای آسیایی را در یک جا و حقوق اساسی کشورهای قاره‌ی افریقا را در گروه دیگر مورد بررسی قرار داد؛ ولی این تقسیم بندی که صرفاً به لحاظ قاره‌ای و جغرافیایی است، از آن جا که تأثیری در نوع رژیم‌های سیاسی کشورهای اسلامی ندارد، نمی‌تواند ملاک تقسیم‌بندی منطقی باشد.^(۷) گروه‌بندی کشورهای اسلامی به لحاظ زبان و بررسی کشورهای عربی و غیر عربی در دو گروه متمایز نیز، از آن جا که تأثیری در نوع رژیم سیاسی ندارد، نمی‌تواند به عنوان معیار جدا کننده مورد استفاده قرار گیرد.

از آن جا که در برخی از کشورهای اسلامی اسلام به عنوان دین رسمی در قانون اساسی به صراحت ذکر شده، می‌توان از این ملاک در تقسیم بندی کشورهای اسلامی استفاده نمود، ولی دین رسمی، مانند مذهب شناسنامه‌ای، نمی‌تواند تأثیری در نوع رژیم سیاسی داشته باشد، می‌توان به جای تقسیم‌بندی به لحاظ دین رسمی، حاکمیت اسلام و قوانین آن را به عنوان منبع حقوقی نظام‌های سیاسی در گروه بندی کشورهای اسلامی مبنا قرار داد. از سوی دیگر، مشکل این تقسیم بندی هم آن است که در قانون اساسی عده‌ای از کشورهای اسلامی، اسلام به عنوان منبع حقوقی به صراحت ذکر شده و قوانین اسلامی یکی از منابع حقوقی است که آن هم در عمل جز در محدوده اندک به اجرا در نیامده است.^(۸)

حقیقت آن است که صبغی اسلامی نظام‌های سیاسی در کشورهای اسلامی گاه به اندازه‌ای کم رنگ است که اتلاق عنوان اسلامی بر آن‌ها خالی از اشکال نیست. تفاوت نظام‌های سیاسی در کشورهای اسلامی به لحاظ مدل‌های موجود در جهان، که به وسیله‌ی آن نظام‌های سیاسی دیگر کشورها تقسیم بندی می‌شوند، می‌تواند معیار طبیعی گروه بندی کشورهای اسلامی قرار گیرد.

به عنوان مثال، می‌توان کشورهای اسلامی را بر حسب نظام سیاسی به جمهوری، سلطنتی و پارلمانی تقسیم نمود و کشورهای امیرنشین را نیز در این تقسیم‌بندی در رده‌ی نظام سلطنتی به شمار آورد. اما در این گروه بندی باید میزان تأثیر دیدگاه سوسیالیستی، اسلامی و ناسیونالیستی را نیز از نظر دور نداشت و به همین دلیل می‌توان کشورهای اسلامی را از نظر رژیم سیاسی حاکم بر آن‌ها به ترتیب دیگری به قرار زیر گروه‌بندی نمود:^(۹)

الف) کشورهایی که دارای نظام سیاسی با گرایش اسلامی هستند.
ب) کشورهایی که نظام سیاسی آن‌ها با گرایش سوسیالیستی است.
ج) کشورهایی که در نظام سیاسی آن‌ها بنیاد ناسیونالیستی بیش‌ترین نقش را بر عهده دارد.

د) کشورهایی که دارای رژیم‌های غرب‌گرا و با گرایش لیبرالیسم سرمایه‌داری هستند. البته این مدل زیاد دقیق نیست، زیرا برخی از کشورهای اسلامی در عین این که نظام سیاسی آن‌ها بر پایه‌ی ناسیونالیسم است، غرب‌گرا بوده و دارای گرایش سرمایه‌داری نیز هستند.

در شرایط جهانی شدن یا جهانی سازی امروز کشورهای اسلامی می‌توانند دارای نقش مؤثری باشند و در جابجایی قدرت در روابط بین الملل سهیم باشند. بررسی حقوق اساسی کشورهای اسلامی می‌تواند راه را برای این ایده فراهم سازد که کشورهای اسلامی، با وجود این همه اختلاف

در ساختار نظام سیاسی حکومت و نقش آفرینی مردم در قدرت سیاسی، چگونه می‌توانند به یکدیگر نزدیک شده و از قدر مشترک‌ها، که عمدتاً در اندیشه‌ی سیاسی اسلام نهفته است و در گروه تفسیرهای فقه سیاسی است، میثاق واحدی را برای وحدت جهان اسلام یا اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی به وجود آورند و راهبرد واحدی را در قبال تهاجم غرب و نفوذ رو به ازدیاد آن فراهم سازند و نقش جهان اسلام را در معادلات قدرت در روابط بین‌الملل به جایگاه مناسب ارتقا دهند. به طور کلی، از نظر حقوقی، اسلامی بودن نظام سیاسی در کشورهای اسلامی معاصر بر اساس یکی از شاخص‌ها و معیارهای زیر قابل بررسی است:^(۱۰)

- اعتقاد اکثریت مردم کشور به مبانی اعتقادی و آیین مقدس اسلام؛
 - تصریح به رسمیت آیین اسلام در قانون اساسی به عنوان دین رسمی کشور؛
 - تصریح به تعهد نسبت به احکام اسلام در قانون اساسی،
 - اظهارات رسمی مسئولان در مورد تلاش برای استقرار نظام اسلامی؛
 - آوردن اصلی حاکمی از اجرای احکام اسلامی توسط دولت؛
 - ذکر قرآن و سنت به عنوان منابع قانون گذاری در قانون اساسی؛
 - شرط مسلمان بودن مسئولان سطح بالا و مقامات بلند پایه‌ی کشور؛
 - رعایت اصول امامت یا خلافت و بیعت؛
 - انتصاب مشروعیت نظام به امور شرعی که به نحوی در مذاهب اسلامی از مقبولیت برخوردار است؛
 - رعایت شعائر اسلامی توسط اکثریت مردم یا دولت به صورت التزام؛
 - التزام قانونی در مورد سوگند یاد کردن مسئولان یا عبارت مقبول اسلامی؛
 - تصریح به لزوم انطباق همه‌ی قوانین و مقررات رسمی و لازم الاجرای کشور با موازین فقهی معتبر اسلامی آن چنان که در اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدان تصریح شده است.
- حال، قانون اساسی برخی از کشورهایی را که بر حسب یکی از شاخص‌ها و معیارهای فوق منتسب به اسلامی بودن هستند مورد بررسی قرار می‌دهیم:

قانون اساسی مصر

در مقدمه‌ی قانون اساسی: ما همه‌ی مردم مؤمن با اعتقادی مستمر و خاطری و ایمانی عمیق، ما همه‌ی مردم مصر، با نام خداوند و به یاری خداوند متعهد می‌شویم که... همه‌ی تلاش‌های خود را در راه تحقق.. مبذول نماییم. ما همه‌ی مردم مصر.. با علم به حق الهی و حق میهن و مردم و با شناخت حق اصل مسئولیت انسانی و با نام خداوند...

اصل ۲: اسلام دین کشور و زبان عربی، زبان رسمی کشور است و اصول شریعت اسلامی منبع اصلی قانون گذاری است.

قانون اساسی سوریه

در اصل سوم قانون اساسی سوریه چنین آمده است:
دین رئیس جمهور کشور اسلام است.

فقه اسلامی منبع اصلی قانون گذاری در کشور است. در بند ۷ نیز سوگند قانونی مسئولان با عبارت: قسم به خداوند بزرگ ذکر شده است.

قانون اساسی کویت

در اصل ۲ چنین آمده است: دین کشور اسلام است و شریعت اسلام منبع اصلی قانون گذاری است.

در اصل ۱۲ حفظ و عرضه میراث اسلامی به عنوان یک وظیفه قانونی بر عهده دولت گذارده شده است.

مسأله‌ی اسلامی بودن نظام سیاسی و راه کارهای آن، بزرگ‌ترین چالش سیاسی و ایدئولوژیکی را در جهان اسلام به وجود آورده و در این ماجرا هر چند قرائت‌های مختلف از سیاست و از دین توسط متفکران و رهبران اسلامی سهم بسزایی دارد، لکن نباید از دغدغه‌ی ناشی از اسلامی بودن نظام‌های سیاسی در کشورهای اسلامی، برای غرب دل بسته به منابع اقتصادی جهان اسلام که همواره موجب توطئه بر علیه امت اسلامی گردیده، غفلت روا داشت.^(۱۱)

توجه به این نکته لازم است که مسأله‌ی تاریخ سیاسی کشورهای اسلامی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است و گرایش کشورهای مختلف اسلامی به نظام‌های مشابه غربی به علل و عواملی بستگی دارد که بررسی آن‌ها در شناخت ماهیت نظام سیاسی حاکم بر آن‌ها و عناصر تشکیل دهنده‌ی حقوق اساسی این کشورها بسیار ضروری است و نشان می‌دهد که بسیاری از این گرایش‌ها صرفاً حالت تقلیدی نداشته و زمینه‌ها و عوامل مختلفی در آن مؤثر بوده است. دیدگاه‌های اسلامی، هر چند متفاوت و با قرائت‌های مختلف، در این تحولات نقش اساسی را بر عهده داشته است.

باید توجه داشت که حقوق اساسی کشورهای اسلامی به مفهوم جدید آن در شرایطی شکل گرفته است که این کشورها یا تحت اشغال نظامی بوده‌اند یا در زیر فشار استعمار به سر می‌برده‌اند. از این رو نشانه‌های تحمیل و غیر دموکراتیک بودن این نظام‌ها را در اوایل شکل‌گیری آن‌ها باید از ویژگی‌های این نظام‌ها به شمار آورد و این خصوصیت، بررسی حقوق اساسی این کشورها را از حقوق اساسی کشورهای غربی متمایز می‌سازد.^(۱۲)

کشف و پردازش چشم انداز در آینده

دستیابی به نقاط کانونی^(۱۳) مطلوب در همگرایی میان کشورهای اسلامی ضرورت ترسیم چشم انداز مطلوب برای چنین همگرایی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. چشم انداز، آینده‌ای واقعی، معتبر و جذاب برای کشورهاست. چشم انداز آینده بیان فرمول بندی شده‌ی دقیقی از مقاصد و اهداف است. مقصد یا وضعیت آینده خواست‌هایی را تعریف می‌کند که یک فرد یا گروه آن‌ها را به نحو خاصی مطلوب می‌یابد. چشم‌انداز آینده صحیح ایده‌ای آن چنان قدرتمند است که با فراخوانی انرژی استعدادها و منابع، زمینه را برای تحقق ایده‌ها و آرمان‌ها فراهم می‌کند. با وجود چشم انداز آینده، راهبردها می‌توانند سنجیده و فعال شوند و اتحاد این امکان را

پیدا می‌کند که فرصت‌های خود را بیافزاید و زمینه‌ها و امکان‌های واقعی برای نوآوری و تغییر را باز بگذارد. معیارهای اصلی جهت شناخت چشم انداز آینده صحیح عبارتند از:^(۱۴)

چشم انداز آینده تا چه حد آینده محور است؛ یعنی بر فرضیه‌های منطقی پیرامون آینده استوار است تا این که فقط طرحی درباره‌ی وضع موجود است؟

چشم انداز آینده تا چه حد آرمانی است؛ یعنی تا چه حد به نظر می‌رسد که همگرایی را به آینده‌ی روشن‌تری هدایت می‌کند؟

چشم انداز آینده تا چه حد با تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های سازمان هم‌خوانی دارد؟

چشم انداز آینده تا چه حد استانداردهای تعالی را به کار می‌گیرد و ایده‌آل‌های بلند را منعکس می‌کند؟

چشم انداز آینده تا چه حد مقصد و جهت را روشن می‌کند؟

چشم انداز آینده تا چه حد به نظر می‌رسد که الهام بخش اشتیاق و مشوق مشارکت است؟

آیا چشم انداز آینده به اندازه‌ی کافی بلند پروازانه است؟

زمانی که تک تک اعضاء خود را در چشم انداز آینده سهیم و نقش آفرین بدانند، به اقتدار و اختیاری دست می‌یابند و برای اقداماتی که چشم انداز آینده را به پیش می‌برد، توانمند می‌شوند. آن‌ها می‌دانند که چنین اقدام‌هایی بسیار ارزشمند است و از سوی همه کسانی که در این تصور سهیم هستند، قانونی و مفید به حساب می‌آید.

برای کشف و پردازش یک چشم انداز آینده‌ی نوین راه‌های بسیاری وجود دارد فرایند ایجاد چشم انداز آینده شامل چهار مرحله زیر است.^(۱۵)

۱- ممیزی چشم انداز آینده: در این مرحله، پرسش‌هایی درباره‌ی ماهیت اساسی همگرایی، روش تحقق و جهت کنونی آن مطرح می‌شود.

۲- دامنه‌ی چشم انداز آینده: در این مرحله، ذی نفعان عمده‌ی همگرایی مطالعه و بررسی می‌شوند، به همین ترتیب سنجش مطلوب عملکرد و نیز رهنمودهای لازم برای بیانیه‌های چشم انداز آینده‌ی پیشنهادی بررسی می‌شود.

۳- محتوای چشم انداز آینده: این مرحله فرصتی است برای در نظر گرفتن امکان توسعه در آینده - مانند توسعه اقتصادی، فناورانه، اجتماعی و جز این‌ها - که می‌تواند بر انتخاب جهت مطلوب همگرایی تأثیر گذارد.

۴- انتخاب چشم انداز آینده: این آخرین مرحله است که طی آن، چشم انداز آینده‌های هم نهشت در نظر گرفته می‌شود، با هم مقایسه می‌شوند و سرانجام به انتخاب و فرمول بندی بیانیه‌ی چشم انداز آینده‌ی جدید می‌انجامد.

یکی از مؤثرترین و کارآمدترین تکنیک‌های آینده پژوهی، که برای تحقق چشم اندازها استفاده می‌شود، سناریو سازی است. در سناریو سازی، آینده ذاتاً غیر قابل شناخت است. اما به کمک سناریو می‌توان در شکل بخشیدن به چشم انداز ترسیم شده نقش آفرین بود. می‌توان رخداد‌های آینده را به صورت غیر محتمل و محتمل هم چنین مطلوب و نا مطلوب

تقسیم بندی کرده و سپس اقداماتی انجام داد تا احتمال رخدادهای مطلوب افزایش یابد. با بر عکس، از ظهور رخداد‌های محتمل اما نامطلوب جلوگیری نمود. (۱۶)

با نگاهی ساده به موقعیت‌هایی که یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌های همگرا شاید در آینده با آن‌ها روبه رو شوند، می‌توان پنج نوع سناریوی متمایز را شناسایی کرد. در نوع اول فرض می‌شود که روندهای جاری بدون تغییرات مهم «به مسیر عادی» خود ادامه خواهند داد و آن را «سناریوی بدون شگفتی» می‌نامند. در نوع دوم فرض می‌شود که آینده «بهتر» از گذشته خواهد بود و آن را «سناریوی خوش بینانه» می‌نامند. در نقطه‌ای مقابل این سناریو، «سناریوی بدبینانه» قرار دارد که برای موضوع مورد نظر، آینده «بدتری» را نسبت به حال و گذشته لحاظ می‌کند. دو نوع دیگر از سناریوها عبارتند از: «سناریوی فاجعه» که در آن حوادث و «بحران‌های غیر منتظره» رخ خواهند داد و هم چنین «سناریوی معجزه» که در آن رویدادهای «بسیار خوب باور نکردنی» در آینده به وقوع می‌پیوندند. (۱۷)

چشم انداز آینده‌های جهان اسلام

با توجه به این که وحدت اساساً فرایندی بین رشته‌ای با ماهیت تعاملی است که ضرورت توجه به لایه‌های اقتصادی، فنی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، ژئوپلیتیک و فرهنگی و نیز نقش آفرینان دولتی و غیر دولتی مختلف را ایجاب می‌کند، یکی از ویژگی‌های بارز وحدت و همگرایی کشورهای اسلامی در هم تنیدگی و نامرئی بودن مرزهای موضوعی است. به عبارت دیگر، ممکن است بخشی از ابعاد و وجوه وحدت جنبه‌ی سیاسی داشته باشد، اما در عین حال در آمیخته با بخش‌های فرهنگی و اقتصادی نیز باشد. کشورهای اسلامی نیز مانند اعضای اتحادیه‌ی اروپا دارای شباهت‌هایی هستند که زمینه‌های همکاری‌های گسترده‌ی آن‌ها را در چارچوب همگرایی فراهم می‌کند. کشورهای اسلامی به لحاظ اقتصادی توسعه نیافته، به لحاظ مذهبی، مسلمان و از لحاظ فرهنگی نزدیک به هم هستند. بنابراین، همه‌ی این کشورها نیاز به گسترش همکاری با یکدیگر را به خاطر مسائل پیچیده‌ی جهانی به خوبی درک می‌کنند و در این مورد همگرایی اسلامی به نیاز زمانه پاسخ می‌دهد، زیرا همگرایی در قالب سازمان‌های منطقه‌ای توجه عمده‌اش پیرامون مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. (۱۸)

منابع

- ۱- احمدی، کوروش (۱۳۷۶)، سازمان‌کنفرانس اسلامی و شرایط جدید بین‌المللی، مجله‌ی سیاست خارجی، سال یازدهم.
- ۲- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، منطق معادلات امنیت ملی، فصل‌نامه‌ی مطالعات راهبردی، شماره‌ی ۱۴.
- ۳- برت، نی‌نوس (۱۳۸۵)، راهنمای تمرین‌خلاق و پردازش چشم‌انداز سازمان، ترجمه و ویرایش: محمد ازگلی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهشی علوم و فناوری دفاعی، تهران
- ۴- زنجانی، عمید؛ (۱۳۸۴)، حقوق اساسی تطبیقی، حقوق اساسی کشورهای غربی و

کشورهای اسلامی، نشر میزان، تهران.

۵- صفوی، سید یحیی (۱۳۸۵)، جزوه‌ی درسی جغرافیای سیاسی جهان اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۶- صفوی، سید یحیی (۱۳۸۵)، وحدت جهان اسلام، «چشم انداز آینده» کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، دانشگاه اصفهان.

۷- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۵)، جغرافیای جهان اسلام: آشنایی با کشورهای اسلامی و قلمرو اقلیت‌های مسلمان، مؤسسه انتشارات امام خمینی (ره)، قم.

۸- لاریجانی، علی (۱۳۸۳)، بازنگری چالش‌ها و فرصت‌های جهان اسلام، همایش بین‌المللی جهان اسلام، چالش‌ها و فرصت‌ها، وزارت امور خارجه، تهران.

9- Emilio Fontela (2000). Bridging the gap between Scenarios and models, Foresight; vol 2 ; No. 1.

10- Kirchner . Emil J (2006). The European Union as a Model for Regional Integration: the Muslim World and Beyond, Jean Monnet / Robert Schuman paper Series. Vol.6; No 1.

پی‌نوشت

- ۱- زنجانی، عمید؛ «حقوق اساسی تطبیقی؛ حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی»؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴.
- ۲- همان؛ ص: ۲۳۴.
- ۳- همان؛ ص: ۲۳۴.
- ۴- همان؛ صص ۲۳۴-۲۳۵.
- ۵- همان؛ صص ۲۳۵-۲۳۴.
- ۶- همان؛ ص: ۲۳۵.
- ۷- همان؛ ص: ۲۳۶.
- ۸- همان؛ ص: ۲۳۶.
- ۹- همان؛ ص: ۲۳۶.
- ۱۰- همان؛ ص: ۲۴۰.
- ۱۱- همان؛ ص: ۲۴۲.
- ۱۲- همان؛ ص: ۲۴۳.

13- Focal Points

۱۴- برت، نی‌نوس؛ «راهنمای تمرین‌خلاق و پردازش چشم‌انداز سازمان»، ترجمه و ویرایش: محمد ازگلی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهشی؛ ۱۳۸۵، صص ۸-۴

۱۵- همان؛ ص: ۶.

16- Emilio Fontela; " Bridging the gap between Scenarios and models", Foresight; vol 2 ; No.1, 2000.

17- White Paper asympt.te "Scenario and Strategy on the value of Sepration", [http:// www.opensourcescenarios. org/ scenario .pdf](http://www.opensourcescenarios.org/scenario.pdf)

18- Kirchner . Emil J; The European Union as a Model for Regional Integration: the Muslim World and Beyond, Jean Monnet / Robert Schuman paper Series. Vol.6; No 1. January 2006